

بازی خطرناک باج‌گیرانه و پیامدهای انحصار سیاسی چگونگی مختل نمودن اوضاع کشور مابا کلید زدن بی‌ثباتی سیاسی سکوت بزدل‌ها در قبال ارباب خارجی بمنظور آرامش و هم‌انگیز

افغانستان بمثابه نخستین قربانی ماجراجویی ناتودر اوج عوامگرایی تبلیغاتی
دشواری گذار از استبداد به دموکراسی و چگونگی زوال و سقوط اخلاقی
فقدان میکانیزم‌های عادلانه توزیع قدرت بکجا خواهد انجامید؟
عقب‌ماندگی و ناکارآمدی اقتصادی

نظریه بازی یا انگیزه بازی با استفاده از مدل‌های ریاضی به تحلیل روش‌های همکاری یا رقابت موجودات منطقی و هوشمند می‌پردازد. نگره بازی، شاخه‌ای از ریاضیات کاربردیست که در علوم اجتماعی و بویژه در اقتصاد، زیست‌شناسی، مهندسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، بازاریابی و فلسفه مورد استفاده قرار می‌گیرد. نگره بازی در تلاش است تا بوسیله ریاضیات، رفتار را در شرایط راهبردی یا در یک بازی که در آن‌ها موفقیت فرد در انتخاب کردن، وابسته به انتخاب دیگران می‌باشد، برآورد کند. نگره بازی تلاش می‌کند تا رفتار ریاضی حاکم بر یک موقعیت راهبردی را مدل‌سازی کند. این موقعیت زمانی پدید می‌آید که موفقیت یک فرد وابسته به راهبردهایی است که دیگران انتخاب می‌کنند. هدف نهایی این دانش، یافتن راهبرد بهینه برای بازیکنان می‌باشد. یک بازی شامل مجموعه‌ای از بازیکنان، مجموعه‌ای از حرکت‌ها یا راهبردها و نتیجه مشخصی بمنظور ترکیب راهبردها می‌باشد. پیروزی در هر بازی تنها تابع شانس نیست، بلکه اصول و قوانین ویژه خود را دارد. چه، هر بازیکن در امتداد بازی سعی می‌کند با بکارگیری آن، اصول خود را به برد نزدیک نماید. یکی از اصلی‌ترین شرایط بکارگیری این انگیزه در تحلیل محیط‌های رقابتی، وفاداری عوامل متعامل در رعایت منطق بازی است. کاربرد نظریه بازی در علم سیاست در مسائلی چون تقسیم عادلانه، اقتصاد سیاسی، انتخاب عمومی، نظریه سیاست مثبت و نظریه انتخاب عمومی بکار می‌رود. در هر یک از این موضوعات، پژوهشگران مدل‌های نظری بازی را بگونه‌ای توسعه داده‌اند که اغلب رأی‌دهنده‌ها، موقعیتها، گروه‌های ذینفع و سیاستمداران بمثابه بازیگران تلقی می‌گردند. نظریه بازیها توسط برخی از نویسندگان بمنظور بررسی دلایل فلسفی تعهد بکاررفته است. برخی دیگر با استفاده از آن به بررسی رابطه میان اخلاق و منافع شخصی پرداخته‌اند. هر بازی از سه بخش اساسی تشکیل شده است: بازیکنها، کُنشها و ترجیحات.

قبل از طرح مسایل بمفهوم وسیع کلمه، تذکر این مسأله از یاد مانرود کاصل ناهمگونی در مجموعه "طالب"ها، بویژه پس از تصرف کابل توسط آنها عملن بمشاهده می‌رسد. برخی از گروه‌های شامل در آن، مشتاق و پیروایده و مفکوره "جهاد جهانی" بوده، گروه‌هایی از ناسیونالیست‌های پبنتون قصد و مفکوره پایه گذاری و تشکیل کشور واحد متشکل از پبنتون‌ها را در سر می‌پیروانند. با اینحال، شاخه مسلط سیاسی در مجموع "طالب"ها بدنبال شکل‌گیری و تحکیم دولت و حاکمیت سیاسی صرف در محدوده مرزهای برسمیت شناخته شده افغانستان توسط جامعه بین‌المللی می‌باشند. بانظر اندازی اندکی بعقب، باین واقعیت نایل خواهیم گردید که بویژه پس از فراخواندن نظامیان شوروی از اراضی متعلق بکشور عزیز ما و آغاز درگیریهای مسلحانه داخلی، بمنظور ایجاد تغییراتی در قاعده بازی، جنگجویانی تحت نام "طالب"ها، بویژه با سر بازگیری از مدارس دینی و مذهبی و مراکز آموزش‌های عقیدتی پاکستان و بمثابه پیروان آموزهای دیوبندی یا پیروان مکتبی از اسلام سنی سده ۱۹ در هند بریتانوی، وارد میدان بازی گردیدند. درین مقطع بایست یاددهانی بعمل آورد که مجاهدین برخلاف "طالب"ها، از هواداران تفسیر سیاسی مدرن از اسلام بودند، اما پس از مدت زمانی، بسیاری از کسان اخیر الذکر به "طالب"ها پیوسته و پیرو طرز تفکر طالبانی گردیدند. مدتی پس از آن و چگونگی سیر حوادث و وقایع اتفاقیه، این واقعیت عملن باثبات رسید که بویژه در مناطق و محلاتی در شمال کشور، جنگجویانی از ازبیک‌ها، قرغیزها، قزاق‌ها، تاجیک‌ها، جنگجویان چیچین، جنبش اسلامی ترکستان، گرو

های افراطی ایجاد شده از جمع مهاجران آسیای میانه، "اتحادیه جهاد اسلامی"، "جماعت انصارالله"، "حزب التحریر اسلامی" و "جندالخلافة" و غیره نیز در جمع "طالب" ها موجود بودند.

تذکر این مسأله لازمی پنداشته میشود که در شرایط کنونی و وضعیت حاضر، "طالب" ها در کل، بمثابة سازمان واحد نظامی - سیاسی پنداشته نمی شوند. در وضعیت اینچنینی، در جمع آنها گروه‌های سه گانه ای بمفهوم واقعی کلمه عمل وجود دارند که یکی از آنها با کشور قطر مصرف زد و بند بوده، دومی ها هم با پاکستان وارد ساز و کارهایی گردیده و گروه سوم هم به تنهایی و بگونه مستقلانه بانجام عمل کرده‌ایش می پردازد. اما بر بنیاد حقایق واضح و روشن، گروه یاد شده بمفهوم وسیع کلمه، بدو بخش منقسم گردیده که در چنین وضعیتی، امکان پیوستن تعدادی از جنگجویان آن به صفوف ورده هایی از "داعش" و اعلام وفاداری شان بگروه اخیر الذکر نیز بعید بنظر نمی رسد. رهبران و مسؤلان درجه یک "طالب" ها، اوضاع و چگونگی وضعیت عمومی را بگونه کاملن متفاوت از هم ارزیابی و سبک و سنگین مینمایند. رهبری جدید آنها قادر باتخاذ موضع مشترک و واحدی در قبال قضایای موجود در کشور نبوده و بر این بنیاد، "طالب" ها از نبود برنامه منظم در مورد سیاست رسمی آنها در قبال "داعش" در رنج و عذاب بسر می برند.

این پرسش با تمام اهمیت آن نیز مطرح می گردد کآیا "طالب" ها به حفظ ساختار سازمانی کنونی شان قادر خواهند گردید؟ آیا آنها بگونه ای مورد تقویت و پشتیبانی قرار خواهند گرفت و یا بصورت غیر متمرکز از تداوم عملیات مسلحانه ستیزه جویان حمایت بعمل خواهند آورد؟

موضوعات فوق با تمام اهمیتی که دارد، در نوع خود بمثابة مسایل کلیدی در آینده کشور عزیز ما افغانستان مطرح می باشد.

نباید فراموش نمود کاصل مبارزه علیه "داعش" نیز نشخوار می گردد. آنها از اینکه "دولت اسلامی" (داعش) با اهمیت و اقتدار ملامحمد عمر بمثابة بنیانگذار جنبش "طالب" ها احترام لازم بجا نمی آورند، آزرده خاطر بوده و از این رهگذر رنجش دارند. "طالب" ها ملامحمد عمر نامبرده را بمثابة نخستین امیر "امارت اسلامی افغانستان" میپندارند. رهبری "طالب" ها علیه "داعش" و ایدئولوژی آن فتوا صادر نموده و مبارزه با آنها را مؤجه می پندارند. اما "داعش" به مثابه سازمان تروریستی اسلامگرا، در امتداد سال ۱۳۹۲ خورشیدی بصراحت اعلام نمود که "اسلام تحت درفش واحدی یعنی زیر لوای ایمان" باید از آسیا گرفته تا اروپا و آفریقا و در سراسر جهان مرعی الاجراً قرار گیرد. همچنان با تأکید خاطر نشان نموده کاین درفش متعلق به "داعش" بوده و مدعی گردیدند هر کسی که اسلام را به سبک و سیاق "داعش" نمی پذیرد، "دشمن سوگند خورده"، "کافر"، "صلیبی" و یا "منکر اسلام" پنداشته می شود.

در این میان بموجودیت تفاوت ها و ممیزاتی بایست توجه جدی مبذول گردد و آن اینکه "طالب" ها از همان ابتدای امر، برخلاف "داعش" در صدد براندازی حاکمیت سیاسی کشور و ایجاد و پایه گذاری خلافت اسلامی در داخل محدوده افغانستان بوده و اکنون در شرایطی کآنها بههدف یاد شده نایل گردیده اند، "داعش" بمثابة سازمان و دسته بندی افراطی پنداشته شده و بنحوی از انحاء علاقمندی و آرزومندی اش را در سهمگیری اداره امور و شرکت در سیستم سیاسی موجود در کشور نیز پنهان نمی نماید. گروه بندی یاد شده با استفاده از امکانات مساعد و ارائه معاونت های مادی و نقدی بسیاری از کشورها و سازمان های افراطی و با بکارگیری راهها و وسایل مؤثر تر و بگونه سریعتر به باسخدام جنگجویان پرداخته و مدت هاست که به مبارزه و نبرد علیه "طالب" ها همچنان ادامه می دهد. اهداف گروه یاد شده و تلاش های آنها بمنظور ایجاد و پایه گذاری خلافت جدید در شرق کشور، در قلمرو "خراسان بزرگ" که در برگیرنده سرزمین ها و اراضی افغانستان، ایران، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان می گردد، بسیار جاه طلبانه پنداشته می شود.

تذکر این مسأله را نباید فراموش نمود که در حوزه اعتقادات مذهبی، پبنتون ها از جمله طرفداران و هواخواهان شاخه محافظه کار حنفی به جنبش سنی اسلام کاکثریت شهروندان کشور بآن معتقدند، تعلق دارند. "طالب" ها همچنان باصل تصوف که شکلی از فلسفه کلاسیک مسلمانان پنداشته می شود، احترام قایل می باشند و بر همین بنیاد، بگوئیه کلی سعی می ورزند تا از درگیری فرقه ایی با شیعیان اجتناب ورزیده و خودداری بعمل آورند، اما با وجود اینهمه، آنها حملات بیشماری را بر علیه شهروندان اهل تشیع نیز براه انداختند. در مورد تفاوت ها در طرز دید و نوع نگاه مذهبی "طالب" ها بایست متذکر گردید که گروه نخستین، بگونه کلی، اهل تسنن بوده که نسخه های دیگر اسلام مانند تشیع و تصوف را برسمیت می شناسند.

داعشی ها در واقعیت امر، وهابی هایی پنداشته می شوند که در قبال سایر جنبش ها و حرکت های مذهبی حساسیت

داشته و آنها را در مجموع بمتابۀ "کافر" و "تفرقه افکن" می پندارند، احکام شرعی نیز توسط گروه‌های یادشده بگونه‌های متفاوت از هم تفسیر می گردد. "طالب"ها حملات و یورش‌های "داعش" علیه شهروندان اهل تشیع را محکوم نمودند. بخاطر باید داشت که میان "طالب"ها و "دولت اسلامی"، پیوندهای ایدئولوژیکی نیز موجود می باشد، اما پس از تصرف کابل توسط "طالب"ها، روابط و مناسبات میان گروه‌های "طالب" و "داعش" بیش از هر زمان دیگر به تشنج گرایید.

بربنیاد اطلاعات موثق و قابل اعتبار، "داعش" از امکانات مادی بیشتری برخوردار بوده و شبه نظامیان و جنگجویان آن در مقایسه با جنگجویان "طالب"، دستمزد بیشتری دریافت می نمایند. بسیاری ها هم چنین می پندارند که داعشی‌ها خودشان را بمتابۀ "طرفداران اسلام جهانی" پنداشته و بمنظور برپایی خلافت در هر جایی که لازم باشد، خواهند جنگید. در عوض، بجای ادغام کامل آنها، گزینه تغییر موضع و تحول جایگاه برخی از "طالب"ها بمواضع "داعش" محتمل تر بنظر می رسد. نکته قابل توجه دیگر، از جمله یکی هم اینکه "طالب"ها، "القاعده" و "دولت اسلامی" را تا حدودی محافظه کار پنداشته و بدلیل ماهیت و ویژگی‌های تهاجمی ایدئولوژی و طرز تفکر تعرضی شان، آنها را منسوخ می شمارند. جالب است گفته می شود که "طالب"ها، حامیان و جنگجویان شان را از ایجاد هرگونه تماس و ارتباطی با داعشی‌ها بر حذر می دارند.

بگمان اغلب، همه باین امر موافق و هم نظراند که داعشی‌ها بمتابۀ محتمل ترین جاگزین "طالب"ها مطرح بحث می باشند. اما نباید فراموش خاطر ما شود که داعشی‌ها جذابیت خود را در مجموعه پایگاه اجتماعی شان از دست داده و در کنار اینهمه، جامعه جهانی با "طالب"ها و ویژگی‌های آنها بهتر و بیشتر آشنا بوده و چگونگی موضعگیری و نحوه عملکردهای آنها نیز برای شان قابل درک می باشد. بر بنیاد دلایل گفته آمده، "طالب"ها بیشتر از "داعش"، حمایت و توجه ابر قدرت‌ها را بخویش جلب می نمایند.

جالب است که در امتداد سال ۱۳۹۲ خورشیدی، "طالب"ها به "داعش" در مورد مبارزه و تلاش بمنظور استقرار و پایه گذاری "خلافت اسلامی"، پیشنهادی را مطرح نموده و اما نتیجه دلخواهی در پی نداشت. حضور "داعش" در اراضی متعلق به کشور عزیز ما بسال ۱۳۹۳ خورشیدی بر می گردد و این زمانی بود که گروه یادشده، "دولت اسلامی ولایت خراسان" را که در واقعیت امر، دربرگیرنده اراضی متعلق به افغانستان و بخش‌هایی از کشورهای ایران و پاکستان می گردید، ایجاد نمودند. اما از آن زمان تاکنون، با وجود عملکردها و فعالیت‌های "داعش" در افغانستان و پاکستان، هیچگونه همسویی و توافقی میان گروه‌های یادشده بوجود نیامده است.

براین بنیاد و براساس واقعیت‌های گفته آمده در بالا، ادغام کامل گروه‌های دوگانه یادشده ناممکن بنظر می رسد. اما نباید فراموش نمود که عده ای از جنگجویان "طالب"ها بگونه گسترده ای به مجموعه ای بنام "داعش"، تعلق خاطر و تمایل دارند. اما در مقابل، "داعش"، "طالب"ها را بدلیل ترویج "اسلام محافظه کار" و عدم بیعت رهبران گروه‌های پنبتون به البغدادی، بمتابۀ جنبشی منسوخ معرفی می نمایند.

در نهایت امر، در اوایل سال ۱۳۹۳ میان "طالب"ها و "دولت اسلامی" درگیری‌های مسلحانه آغاز گردیده و همچنان تداوم کسب نمود. درحالتی که هنوز امکان مذاکره و گفتگو با "طالب"ها موجود بود، انجام مذاکرات صلح آمیز با "داعش" با مشکل مواجه گردید. متذکر باید گردید که موجودیت "داعش"، بخودی خود، اسباب بسط و گسترش ایدئولوژی بنیادگرایی بویژه میان جوانان کشور را فراهم خواهد نمود.

خاطرنشان می گردد که گسترش و وسعت درگیری‌های مسلحانه میان "طالب"ها و "داعش"، بمتابۀ عامل بی ثبات کننده وضعیت و اختلال اوضاع سیاسی - اجتماعی کل منطقه پنداشته می شود.

بگمان اغلب، "داعش" به هدف تبدیل اراضی کشور ما به محل خیز و پرش به جمهوری مردم چین و بدنبال آن در صدد صدور هرج و مرج و تشدید ناآرامی‌ها بکشورهای آسیای مرکزی و ارائه معاونت و کمک به گروه‌های بنیادگرایی اسلامی و ایغورها خواهد بود، اما درین زمینه، مشکل و معضل همکاری و همسویی با "طالب"ها در امر مبارزه با "دولت اسلامی" از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد.

یکشنبه ۲۶ ماه سنبله سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۱۷ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۳ ترسایبی